

جان اشتاین بک

# شرق بهشت

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

برگردان از متن فرانسه  
و مقایسه با متن اصلی:

پرویز شهدی



انتشارات مجید

www.majidpnb.com

ناشر همکار: انتشارات به سنجی  
شاب: ۹۶۶-۴۵۲-۱۰۱-۹  
حق چاپ محفوظ است.  
طرح جلد: احمد قلیزاده

انتشارات به سنجی  
تولید و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات به سنجی  
۱۱۰۰ نسخه

چاپ هفتم، تهران، ۱۴۰۱ ه. ش.  
برگردان از مین برانسه: پرویز شهیدی

خان انتشارات به سنجی  
شیراز بهشت

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

تهران، ج. انقلاب، ج. ۱۲ فروردین، کوچه بورون پلوی ۱، واحد ۲



www.ketab.ir

۱۵۵۴۱۲۰  
شماره‌ی کتابشناسی ملی  
۱۱۷ / ۵۴  
۱۳۸۷ / ۴ / ۳۳ / ۳ / PST۵۰۳۰۳  
عنوان: سیرت، ب. عنوان: الف. شهیدی، پرویز، ۱۳۱۵ -  
۱. داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰، م.  
عنوان اصلی:  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیثا.  
East of Eden, 2002.  
ISBN: 978 - 964 - 453 - 101 - 9  
ص ۷۸۴  
تهران: به سنجی، ۱۳۸۷.  
شیراز بهشت / خان انتشارات به سنجی؛ ترجمه‌ی پرویز شهیدی.  
Steinbeck, John Ernst  
انتشارات به سنجی، خان آرنبست، ۱۹۰۲ - ۱۹۶۸.

## پیش‌گفتار

جان اشتاین‌بک را همه می‌شناسیم، هم‌سن و سال‌های من خیلی پیش‌تر، جوان‌ها شاید کم‌تر. ولی کم‌تر کتاب‌خوانی است که «خوشه‌های خشم» را نخوانده باشد، یا «موش‌ها و آدم‌ها» و «در نبردی مشکوک». پس صحبتی درباره‌ی او ندارم، همین قدر بگویم که در ۱۹۰۲ در سالیانس، در کالیفرنیا به دنیا آمد، جایزه‌ی پولیتزر را در ۱۹۳۹ به خاطر «خوشه‌های خشم» گرفت و «شرق بهشت» را به سال ۱۹۵۲ نوشت. در سال ۱۹۶۲ جایزه‌ی نوبل گرفت و در ۱۹۶۸ در نیویورک درگذشت.

اما نام اشتاین‌بک در دنیا به درستی مترادف شده است با «خوشه‌های خشم» که در ادبیات نیمه‌ی اول قرن بیستم آمریکا بی‌نظیر است. در این حرفی نیست. ولی شاهکار دیگری هم دارد به همان عظمت و شکوه مندی «خوشه‌های خشم» که همین یکی دو ماه پیش جزو پخواننده‌ترین ده کتاب آمریکا بود، و آن «شرق بهشت» است که در ایران غریبانه مهجور مانده است. البته ترجمه‌ای از آن در سال ۱۳۶۱ شد و بعد در محاق فراموشی قرار گرفت، حال آن‌که شاهکار دیگرش «خوشه‌های خشم» مرتباً تجدید چاپ شده است (حتا همین یکی دو سال پیش). اگر «خوشه‌های خشم» حماسه‌ای است از زندگی تهی‌دستان آمریکا و دردها و رنج‌هاشان، آن‌هم در کشوری که ثروتمندترین کشورهای دنیاست، «شرق بهشت» حماسه‌ای فلسفی است، از قلمی به پنجاه‌سالگی رسیده، سرد و گرم چشیده و پخته. زندگی‌نامه‌ی دو نسل است، نسلی که برای فرار از دشواری‌ها و تعصب‌های مذهبی و اجتماعی به آمریکا مهاجرت کرده و نسلی که در طلوع قرن بیستم، میان تحولات، پیشرفت‌های صنعتی و اجتماعی زاده شده، یک نوع زندگی‌نامه است، که نویسنده به‌عنوان عضوی از این خانواده‌ی بزرگ و پیکره‌ای از نسل دوم، حدیث نفس می‌گوید و چگونگی پاگرفتن دنیایی جدید را روایت می‌کند. روایتی نمادین از آفرینش انسان به روایت کتاب مقدس، خوردن میوه‌ی ممنوعه، اخراج از بهشت و سرگردانی در پهنه‌ی زندگی، آن‌طور که ما شاهدش هستیم و در درد و رنج‌ها و خوشی‌هایش شریک و سهیم.

پس خداوند او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن کروبیان را مسکن داد...

کتاب مقدس. باب سوم. سفر آفرینش، آیه ۳۳ و ۳۴

عنوان کتاب خود گویای مطالب فلسفی آن است، ولی زندگی آدم‌ها و سرگذشت‌شان از هر داستانی شیرین‌تر است. در پیچ‌وخم این سرگذشت که از نسلی تا نسل دیگر ادامه می‌یابد، اشتاین‌بک، ماهرانه و استادانه، مسایلی را مطرح می‌کند که همه‌ی افراد بشر از زمانی که بوده‌اند تا زمانی که باشند با آن دست به‌گریبانند، انسان‌هایی که اگرچه از باغ عدن بیرون رانده شدند، ولی در شرق آن سکنا کردند و جهنمی را هم که وجود نداشت، به وجود آوردند تا این‌که تا ابد در حسرت آن بهشتی که از آن رانده شده‌اند بسوزند.

زیبایی کتاب در سادگی و روانی آن است، ماجراهای معمولی و ساده‌ی زندگی آدم‌ها وقتی به‌دست نقاش چیره‌دستی رقم می‌خورد، شگفتی‌آفرین می‌شود. اشتاین‌بک چنان خودمانی و بی‌ریا حرف می‌زند که انگار آدم با دوستی قدیمی نشسته و دارد خاطرات گذشته را زنده می‌کند.

بی‌پروایی و روراست بودن اشتاین‌بک در بیان حقیقت‌ها به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد. چپ‌گرایانی که پس از کتاب‌های «خوشه‌های خشم»، «موش‌ها و آدم‌ها» و «در نبردی مشکوک» او را خودی می‌پنداشتند، در کتاب‌های دیگرش از جمله «مروارید» و «اتوبوس سرگردان» او را به بدبینی، سیه‌فکری و تمایل به دنیای سرمایه‌داری متهم کردند. ولی اشتاین‌بک جز بیان حقیقت که از زندگی و تجربیات شخصی خودش یا کسانی که با آن‌ها آشنایی پیدا کرده بود سرچشمه می‌گرفت، چیز دیگری نمی‌گفت. به همین خاطر هم کتاب‌هایش صفحه‌ی درخشانی از تاریخ ادبیات امریکا و نیز ادبیات جهان را تشکیل می‌دهد و دو شاهکارش: «خوشه‌های خشم» و «شرق بهشت» پس از گذشت سال‌ها هم چنان خواننده‌های زیادی را به خود جلب می‌کند. بسیاری از کتاب‌هایش، از جمله: زنده‌باد زاپاتا، شرق بهشت، خوشه‌های خشم، مروارید، اتوبوس سرگردان و غیره از طرف کارگردانان بزرگ امریکا به فیلم درآمدند. «شرق بهشت» در سال ۱۹۵۵ به کارگردانی «الیا کازان» و با شرکت «جیمز دین» روی پرده‌ی سینما رفت.

پرویز شهدی

## فهرست مطالب

۹ - ۱۶۶	بخش نخست فصل اول تا فصل یازدهم
۱۶۹ - ۳۵۸	بخش دوم فصل دوازدهم تا فصل بیست و دوم
۳۶۱ - ۵۳۶	بخش سوم فصل بیست و سوم تا فصل سی و سوم
۵۳۹ - ۷۸۴	بخش چهارم فصل سی و چهارم تا فصل پنجاه و پنجم

www.ketab.ir